

## عنوان مقاله:

نگاهی به فصل «ساختارنگری و نشانه شناسی» کتاب راهنمای راتلج به نظریه نقد ادبیات و فرهنگ

## محل انتشار:

نقدنامه زبان های خارجی، دوره 3، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسنده:

محمد غفاری - گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

## خلاصه مقاله:

ساختارنگری یکی از مهم ترین جنبش های فکری سده بیستم است که خاستگاه آن به نظریه زبان شناسی و نشانه شناسی فردینان دو سوسور برمی گردد. توجه به ساختار موجود در پس پدیده های فرهنگی و کشف و دسته بندی قواعد کلی حاکم بر آن ساختارها هدف اصلی ساختارنگران است. با گذشته چند دهه از ظهور ساختارنگری در علوم انسانی و وارد آمدن نقدهای اساسی بر مفروضات و روش آن، این روی کرد همچنان اهمیت خود را، به خصوص در نقد ادبیات و فرهنگ، حفظ کرده است و در تمام کتاب های راهنما و درس نامه هایی که در حوزه نظریه ادبیات منتشر می شوند همواره فصلی به این جنبش دوران ساز اختصاص می یابد. یکی از مشهورترین این کتاب ها راهنمای راتلج به نظریه نقد ادبیات و فرهنگ است، که ویراست دوم آن در سال ۲۰۱۳ منتشر شد. جستار حاضر به نقد و بررسی فصل «ساختارنگری و نشانه شناسی» این کتاب می پردازد و پس از اشاره ای کوتاه به قوت آن (خوش خوان بودن و جنبه آموزشی قوی) ضعف ها و کاستی های نظری و ساختاری آن بحث می شوند، که جا داشت در ویراست دوم (که تفاوتی با متن این فصل در چاپ نخست کتاب ندارد) برطرف شوند.

## کلمات کلیدی:

ساختارنگری، نشانه شناسی، پساساختارنگری، روایت شناسی، دلالت، متن، زبان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1441017>

